

صفر (توکلی) چهره پر تلاش، صمیمی و مهربان

(استاد صباح)



صفر توکلی تنها هنرمندی است که به تنهایی بزرگترین کنسرت را بیش میبرد زیرا خودش شعر می سراید، آهنگ می سازد و جادو گونه می نوازد و طی سالیان اخیر بخاطر غنا مندی هنر موسیقی و تشویق و ترغیب دیگران کنسرت‌های مختلفی دسته جمعی را برگزار نمود و همه این بزمها به ابتکار و رهبری وی بوده است. توکلی افتخارات بزرگی را درین مسیر نصیب گردیده و خیلی ها را کمک و همیاری نموده است.

موسیقی به نوایی گفته می شود که دارای ریتم بوده و شنیدن آن برای انسان خوشایند باشد. هیچ کس نمی تواند موسیقی را در اساس رد کند چون انسان فطرتاً موسیقی را دوست دارد.

در موسیقی کشور ما نواهایی را میتوان یافت که در سالیان گذشته توسط نام آوران این عرصه تولید و بدل به آهنگ ماندگار و خاطره انگیز در ذهن هنر دوستان گشته اند. چنین آثاری در موسیقی ما کم نیستند و میتوان با اندکی جستار در آرشیف موسیقی های خود آنها را یافت، آثاری که میتوانند در حد یک آهنگ موسیقی چند دقیقه ی خاطره انگیزی باشند که با گوش سپردن بدان حس نوستالژیکی به مخاطب دست دهد که یادآور خاطرات خوش و ناخوش ایام گذشته باشد. در زمان که هنر موسیقی اصیل ما کمتر مورد توجه قرار گرفته و جوانان، به جای توجه بر هنر اصیل خود به هنر غربی گرویده اند و نتیجتاً طرفداران موسیقی اصیل روز به روز کمتر و کمتر میشوند.

بلی! این هنر والا جایگاه خود را رفته رفته در میان سایر هنرها از دست میدهد، نگرانی از دست دادن بزرگانی چون استاد سرآهنگ، استاد زلاند، استاد رحیم بخش، احمد ولی، نینواز، شاه ولی ولی، ارمان، استاد خیال، احمد ظاهر، ظاهر هویدا، صادق فطرت ناشناس و . . . و نبود جایگزینی در حد این بزرگان غم ما را بیش از پیش افزون تر می نماید، اما دیده میشود جوانانی در گوشه های، بدور از هیاهو مشغول فعالیت های اصیل هنری در موسیقی سچه وطنی میباشند تا چراغ این هنر والای را روشن نگاه دارند، اگر چند تعداد اینان در مقایسه با سالیان قبل کمتر بوده است و حتی ممکن است در مواردی به

تعداد انگشتان دو دست نیز نرسد اما جای شکرش باقیست که میتوان از همین تعداد اندک به آنها امیدوار بود و برایشان آینده درخشانی را در عرصه هنر اصیل پیش بینی نمود.

اینجا لازم دیدم تا پیرامون چهره پرتلاش، صمیمی و مهربان حرفهای داشته باشیم. این هنرمند بزرگ و فراموش ناشدنی صفدر توکلی است و با صدایی رسا و پرتنینش میخواند:

سحر شبم ز برگ لاله خیزد

سرشک از دیده تر دیده ریزد

فغان خیزد ز قلب غصه داران

نوای جغد از ویرانه خیزد.

ز عشقت ای صنم غوغا کنم من

چو مجنون روی در صحرا کنم من

چو مجنون از غم لیلای محبوب

فغان شور وا وبلا کنم من.

ز هجرانت دل بی تاب دارم

ز مژگان تا سحر خون آب دارم

کجای ای مه نازم کجای

همه شب دیده بر مهتاب دارم.

شب مهتاب از من تاب رفته

همه در خواب از من خواب رفته

بجانم جا گرفته لشکر غم

ز پیش من در نایاب رفته.



صفدر توکلی در موسیقی هزارگی جایگاه منحصر به فردی را به خود اختصاص داده است. او اسطوره دمبوره نوازی نسل خویش است و به داشتن سبک خاص در موسیقی محلی مشهور است. صفدر نه تنها در بین شنوینده های عصر خویش محبوب است، بلکه نسل جوانتر را نیز که بیشتر علاقمند به یادگیری دمبوره نموده است.

در شبکه سراسری مردم هزاره در مورد توکلی گفته شده، توکلی صدایی که نیم قرن پیوسته در گوش ها آواز خوانده است، اما هنوز غریب و نا آشناست. با آنکه در هنر موسیقی چهره بیست آشنا و نامی و ماندگار و فراموش ناشدنی. غریب و نا آشنا بخاطر که ادارات دولتی و نهادهای موسیقی مانند صدها هنرمند دیگر فراموشش نموده و کمتر سراغش رامی گیرند.

صفدر توکلی عموماً در موسیقی و خصوصاً در موسیقی هزارگی جایگاه منحصر به فردی را به خود اختصاص داده است. او اسطوره دمبوره نوازی نسل خویش است و به داشتن سبک خاص در موسیقی سنتی محلی مشهور است.

توکلی از پیشگامان و مفاخر موسیقی هزارگی است. صفدر سالهاست که با صدای گرم و دل انگیزش با نواختن دمبوره، گوش های هموطنان ما را نوازش داده است. به همین سبب صفدر در میان مردم ما از محبوبیت خاصی برخوردار می باشد. شاید خانه ی نباشد که در آن تیپ باشد اما کست صفدر در آن یافت نشود. صفدر توکلی که از ذوق سرشاری برخوردار است غالباً دوییتی های مشهور هزاره گی را خود شخصاً سروده او که سروده هایی با لهجه دری نیز خوانده است، در کابل محبوبیت داشت طوری که همسر دومش از تاجیکان کابلی بود که عاشق صفدر گشته بود و مراسم ازدواجشان به جنجالی مبدل گشته بود که با وساطت دولت به انجام رسید.

صفدر توکلی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی یا ۱۹۴۲ میلادی در یکاوانگ مرکز ولایت بامیان متولد شد.

او دمبوره نواز هنرمند و آواز خوان مشهور رادیو تلویزیون ملی کشور است.

توکلی را می توان موسس و معرفی کننده سبک خاص موسیقی و شعر هزاره گی معرفی کرد. او خود شعر می سراید آهنگ می سازد. او اسطوره دمبوره نوازی نسل خویش است و به داشتن سبک خاص در موسیقی سنتی محلی و فلکلور مشهور است. صفدر در جوانی شوق و علاقه به هنر موسیقی روی آورد برای دنبال کردن هدفش، بامیان را ترک گفته و عازم کابل گردید از طریق دکان کوچک کست فروشی واقع در باغبان کوچه کابل امرار حیات نموده و به کارهای هنری خود در میان مردم و در محافل آغاز نمود.

نظر به شوق و پشت کار که در هنر موسیقی داشت به رادیو تلویزیون ملی افغانستان راه یافت. وی مفتخر به اخذ مدال صداقت و نشان افتخار گردیده است. وی بصفت هنر مند محلی افغانستان مسافرت های زیادی هنری به کشورهای ازبکستان، آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجکستان، مغولستان، پاکستان و ایران داشته است که از این مسافرت های دیپلومه های هنری زیادی را برای افغانستان به آرمغان آورده است.

وی از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۵ سرپرستی گروه هنری وزارت اطلاعات و کلتور را بعهده داشته است. او از جمله خوانندگان محدود است که در طول سالهای جنگ و الی تصرف کابل به دست "طالبان" کشور را ترک نکرد. او درین گیر دار جنگ پسر و همسر خود را از دست داد.

او خود شعر می سراید آهنگ می سازد. یکی از آهنگ های جاودانه توکلی:

اگراز بامیان و قندهاریم همگی پک بیراریم

و یا از کابل و بلخ و تخاریم همگی پک بیراریم

اگر از لوگر و غزنی و غوروات ویا هلمند و هرات
 گرشک و پکتیا و ننگرهاریم همگی یک بیراریم
 اگر از وردک و نیمروزارزگان قلات و همکناران
 اگر از کاپیسا و چاریکاریم همگی یک بیراریم
 اگر از کندوز و بغلان و لغمان فراه و پکتیکایم
 همیشه در پناه کردیگاریم همگی یک بیراریم
 اگر از بادغیس و فاریاب جوزجان بدخشان و سمنگان
 چنان در یک خط و در یکقطاریم همگی یک براریم.

متأسفانه عده ی خود خواه و خودبین اند و هیچ زمانی نمی خواهند دیگران را مطرح بسازند و این بیماری تنها با خود بینی و خودستایی خودشان درمان میشود. و همانگونه که دیدیم این آهنگ توکلی تا خیلی مدتها که وسیله فرهاد دریا کاپی شد و بدون اینکه نامی از توکلی برده باشد گنگ و مبهم بود و آنانیکه آهنگ توکلی را نشنیده بودند و فکر میکردند شعر، کمپوز و آهنگ از فرهاد دریا است و همچنان که آهنگ (باز آمدم باز آمدم چون عید نو تا قفل زندان بشکنم) این آهنگ نیز در یوتوب است که سالهای دور های دور وسیله مرحوم نینواز سروده شده بود.

توکلی هیچ وقت خود را در اوج شهرت نباخت و ازین در به آن در نرفت و دروازه کسی را دق الباب نکرد و وسیله این و آن تحت نامهای گوناگون اجبری و غلامی کسی را نپذیرفت تا کسب شهرت نماید و پول بدست آورد و به وطندارانش خیانت نماید. توکلی با زندگی ساده و در بین مردمش جای گرفت و محبوب القلوب گردید و مانند اکثریت استادان هنر موسیقی محروم و مظلوم باقی مانده است. آهنگ اگر از بامیان و قندهاریم – همگی پگ براریم، بصفه یک سمبول اتحاد ملی سر زبانها افتید و جاودانه شد. صفدر توکلی دارای گروپ خاص هنری بود و شاگردان زیادی تربیه نمود که آنها فعلاً آهنگ سرایان افغانستان هستند.

صفدر توکلی میگوید- موسیقی محلی هزاره ها در ولایت بامیان و دیگر مناطق هزاره جات در حال طی کردن سیر نزولی است. نسل جدید از آهنگ و موسیقی اصیل گذشتگان خود چیزی نمی دانند و فاصله گرفتن این نسل از موسیقی و آهنگ محلی گذشتگان زنگ خطری برای نابودی این سبک از موسیقی است.



صفدر توکلی بر احیاء مجدد موسیقی هزارگی (دمبوره نوازی) تأکید کرد و گفت- ما باید فرهنگ چهار هزار ساله دمبوره نوازی را زنده کنیم. چنانچه در بسیاری از محافل دیده می شود، علاقه به موسیقی هزارگی روزبه روز در حال افزایش است و امیدواریم که این روند الی یافتن جایگاه اصلی موسیقی هزارگی، ادامه پیدا کند.

صفر توکلی بیش از ۳۰۰ آهنگ ثبت شده در رادیو تلویزیون ملی دارد.

اگر چهار رکن اساسی آهنگ، شعر، کمپوز و صدای خواننده را در ساخت و اجرای يك آهنگ به عنوان وجوه اصلی در نظر بگیریم، متأسفانه در نسل جدید کشور کمترین هنرمند را داریم.

موسیقی و صدای توکلی ساده و بی‌الایش است و به ساده‌گی در قلبها می‌نشیند و شاید از این روست که شنونده گانش بسیار دوستش دارند. وی میگوید- موسیقی، صدا و نوایی است که شنیدنش خوشایند باشد و از گوش سپردن به آن لذت ببرد. بر احوال درونی اش اثر بگذارد و او را دچار تحول نماید. موسیقی بیان احساسات است بدون آن که پای کلمه و واژه بی در میان باشد و نشان دادن امواج روحی یک شخص است، موسیقی ارتباط ما را با جهان احساسات و تحرکات درونی افراد را از طریق شنوایی فراهم می‌کند. همانطوری که جسم انسان به غذا نیاز دارد، روح انسان نیز محتاج غذاست که موسیقی یکی از آنهاست، آثار و شواهدی از تاثیر موسیقی بر روی جسم نیز به اثبات رسیده است.

غمای یار که نیم شو میایه

آتیش وری ده جان مه تو میایه

هر آنچه میکنم آرام بگیروم

گزیده عقربش کی خو میایه

خیالش پیش چشمم در شب تار

چو قـرـص آفتـو و ماتـو میایه

چو قـرـص آفتـو و ماتـو میایه

غمای یار که نیم شو میایه

آتیش وری ده جان مه تو میایه

هر آنچه میکنم آرام بگیروم

گزیده عقربش کی خو میایه

به صد ها غمزه و ناز کرشمه

دلم را می کنه جو جو میایه

دلم را می کنه جو جو میایه

غمای یار که نیم شو میایه

آتیش وری ده جان مه تو میایه

هر آنچه میکنم آرام بگیروم

گزیده عقربش کی خو میایه

روم خانه بســـــــــــــــازم در لب آو
به امیــــــــــــدی که یار ده آو میایه
به امیــــــــــــدی که یار ده آو میایه

غمای یار که نیم شو میایه
آئیش وری ده جان مه تو میایه
هر آنچه میکنم آرام بگیروم
گزیده عقربش کی خو میایه.



صفدر توکلی در جشنواره راه ابریشم که مورد تقدیر و قدردانی قرار گرفت میگوید:
در طول چهل سه سال که من به عنوان کارمند رسمی در وزارت اطلاعات فرهنگ اجرای وظیفه نموده ام بیش از پنجصد آهنگ تلویزیونی و رادیویی ثبت و در آرشیف رادیو تلویزیون ملی موجود می باشد. وی در طول زندگی هنری خویش به مشکلات اشاره کرده که گاهی این مشکلات تا سرحدی حکم مرتد و تکفیر بودن وی در جامعه آن روز تبلیغ شده بود ولی به گفته وی هیچگاهی در برابر مشکلات و چالش های که وی را تا سرحد مرگ تهدید می کرده است سر تسلیم فرو نیاورده و تنها رمز موقعیت و بقا خود و هنر محلی دمبوره را در گیر و مقاومت و پشت کار خویش دانسته میگوید. امروز خوشحالم که از من و امثال من قدردانی صورت می گیرد البته قدردانی نه از من بلکه قدردانی از ارزشهای فرهنگی مردم ما در حقیقت صورت می گیرد. صفدر توکلی سلطان موسیقی محلی هزاره گی علاوه به نواختن دمبوره به سرانیدن اشعار هزاره گی مهارت کامل داشته که مجموع سروده های وی عنقریب در قالب یک کتاب به چاپ برسد. صفدر توکلی شاگردان زیادی را تا حال توانسته تربیت و به جامعه تقدیم نماید. از جمله شاگردان صفدر توکلی می توان از هنرمندان چون امان یوسفی و همایون لعلی نام برد.

زکف عمر جوانی رفت افسوس بهار زندگانی رفت افسوس
نگفتم راز دل یکدم به پیشش زبیشم یار جانی رفت افسوس
خداوند عاشق زارم نمی کرد به این غمها گرفتارم نمی کرد
به این غم ها گرفتارم شب و روز جدا از یار دلدارم نمی کرد
ز عشقش جز مرا سودا دگر نیست نگارم از دل زارم خبر نیست
زبس که گریه ها دارم شب تار حدیث عشق من جز چشم تر نیست
سحر شبم زبرگ لاله خیزد سرشک از دیده تر دیده ریزد

فغان خیزد ز قلب غصه داران نوای جغد از ویرانه خیزد
ز عشقت ای صنم غوغا کنم من چو مجنون روی در صحرا کنم من
چو مجنون از غم لیلای محبوب فغان شور و ویلا کنم من
از یادم نمیره گل خنده هایت بخاطر دارم این ناز و ادایت
شب جمعه تورا در خواب دیدم سررو آمده زلف سیاهت
ز هجرانت دل بی تاب دارم زمژگان تا سحر خون آب دارم
کجای ای مه نازم کجای همه شب دیده بر مهتاب دارم
شب مهتاب از من تاب رفته همه در خواب از من خواب رفته
بجانم جا گرفته لشکر غم زپیش من در نایاب رفته.

هنرمند واقعی کسیست که در ذات و جوهره وجودی خود تمایل به یافتن حقیقت و کمال را دارند. هر هنرمندی که برای کارش احترام قائل باشد و برای کارش فکر کرده و زحمت کشیده باشد و جامعه اش را به خوبی شناخته و بسترهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه اش را در اثری که ارائه می دهد مد نظر گرفته باشد هنرمندی است که می تواند به جایگاهی والا دست پیدا کند و هنرش را در قالب یک هنر متعهد و تاثیر گذار به جامعه عرضه کند.

توکی به من میگفت- موسیقی سنتی و فولکلور، رابطه تنگاتنگی با ادبیات دارد و گاه تفکیک پذیر نیستند.

موسیقی – تا کنون تعاریف گوناگونی در مورد این هنر در کتابها و محافل مختلف موسیقی بیان شده است که این تعاریف تا کنون بیشتر مورد قبول واقع شده، هنر بیان احساسات به وسیله ی صداها را موسیقی میگویند. موسیقی هنر ترکیب اصوات و صداهاست بطوریکه خوشایند باشد. در نهایت امید است که با برداشتن دیوارهای سلیقه یی در مورد موسیقی و با احترام به شنونده گان و آوازخوانان موسیقی و آگاهی از جنبه های غنامندی موسیقی و در پایان عرضه موسیقی محلی بتوانیم موسیقی کشور را از مبتذل خوانی و چرند نوازی بیرون نمایم.

بهره: شبکه سراسری مردم هزاره، بازتاب و جریده دهقان ۲۶ قوس ۱۳۶۳).

www.esalat.org